

جشنواره‌های خارجی هم از جمله جشنواره لوکارنو و شارجه، برای چند جایزه مهم کاندیدای دریافت جایزه بود.

این فیلم با حمات کارگردان آن مورد توجه قرار گرفت و توانست با مخاطبان ایرانی و خارجی خود به خوبی ارتباط برقرار کند.

برای اکران خارجی این فیلم هم برنامه‌ریزی دارید؟

بله برنامه‌هایی برای اکران خارجی داریم که نیاز به پیگیری دارد و ان‌شالله به زودی به نتیجه می‌رسد.

چه دورنمایی را برای سینما به ویژه در بخش سینمای کودک متصور هستید؟

اعتقاد دارم که شرایط امروز سینمای ما مثل سکه و دلار در یک وضعیت حبابی است و آنچه که هست چندان واقعی نیست.

بی‌اعتنایی‌ها و بی‌انگیزگی‌ها در بخش فیلم و سینما نیز نتیجه یک نوع فضا سازی است که ان‌شالله به زودی بر طرف می‌شود و دوباره مردم ارتباطشان را با سینما برقرار می‌کنند.

معتقدم که سینمای ما دچار مشکلات جدی و حیاتی است و هنوز بسیاری از مسئولان ما این مشکلات را جدی نگرفته‌اند.

جای دیگری هم گفته بودم که با عدد و رقم هم می‌توان استدلال کرد که حتی اگر ما بلیط سینما را به صدهزار تومان افزایش دهیم و تمام سالن‌های سینمای کشور در سه سانس پر تماشاگر هم باشند، باز هم سینمای ما نمی‌تواند قد علم کند و باید برای نجات آن راهکاری پیدا کرد.

شما خودتان چه راهکاری برای نجات سینما دارید؟

به نظر من یکی از اشتباهات ما در طول سال‌های گذشته این بوده که در سینما همیشه به داشتن حداقل مخاطب فکر کرده‌ایم و این حداقل مخاطب در بهترین شرایط بیشتر از سه میلیون نفر نیست که در مقایسه با جمعیت ۸۵ میلیونی ایران و آن بخشی از جمعیت کشور که مخاطبان سینما هستند، رقمی نیست.

اگر مدیران سینمای ما برای این جمعیت گسترده از مخاطبان سینما برنامه‌ریزی کرده بودند شرایط ما مثل امروز نبود که آرزو داشته باشیم فیلم ما یک میلیون نفر بیننده داشته باشد که حداقل هزینه‌های‌اش را بتواند در بیاورد که این آرزو هم خیلی وقت‌ها شدنی نیست و برای بسیاری از فیلم‌ها در حد همان آرزو باقی می‌ماند.

مسائل و مشکلات اساسی سینمای ما مربوط به یکی دو سال نیست و عمقی به اندازه سی، چهل سال دارد و بنابراین برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت راه حل این مسائل نیست.

شما به مسائل اساسی سینمای ایران اشاره کردید اما درباره سینمای کودک نظر تان چیست؟ در یک دوره‌ای سینمای کودک مورد توجه بود و آثار خوب و پر تماشاگری هم تولید شد ولی دوباره دچار رکود شد و این بخش از مخاطبان سینما نادیده گرفته شدند. درباره این بخش از سینما چه فکر می‌کنید؟

در مدیریت هیچ چیزی خودش خود به خود انجام نمی‌شود. یعنی باید برنامه‌ریزی صحیح، اقدام و پیگیری و همچنین اصلاح روش‌ها را داشته باشید تا بتوانید به نتیجه برسید.

وضعیت سینمای کودک مثل سایر بخش‌های سینمای ایران از جمله اکشن، دفاع مقدس، خانواده و... است که مورد توجه قرار نگرفته و چون سینمای کودک مظلوم‌تر است بنابراین بیشتر از بقیه آسیب دیده است.

و کلام آخر؟

من فکر می‌کنم که اگر ما بتوانیم پایه درستی برای ارتباط با مخاطب در سینما پیدا کنیم و پیش از ساخت یک فیلم به مخاطبان آن فکر کنیم شاهد اتفاقات بسیار خوبی در سینما خواهیم بود.

زمان دریافت پروانه ساخت احساس تولدی دوباره داشتم

رضا آقایی، از فیلمسازان جوانی است که تجربه ساخت چندین فیلم کوتاه را در کارنامه هنری خود دارد و در نخستین تجربه ساخت فیلم بلند خود به سراغ موضوع کودک و سینمای کودک رفته است و با این انتخاب از مسیر تولید تا زمان اکران با مسائل و دشواری‌های بسیاری روبرو شده است. با این فیلمساز درباره «عینک» و مسائل پیرامون آن گفتگو کردیم.

قصه «عینک»، چطور شکل گرفت؟

قصه و ایده اولیه این فیلم از یک خاطره شکل گرفت که کسی برایم تعریف کرده بود. در یک پنجشنبه آخر سال، دو بچه که با مادر بزرگشان زندگی می‌کنند، به خاطر آن که یکی از آنها عینک مادر بزرگشان را شکسته است، تصمیم می‌گیرند با پولی که برای خرید عید و خیرات کردن در اختیار دارند، عینک مادر بزرگ را تعمیر کنند و در این روز از سال که هیچ عینک‌سازی باز نیست با یک کودک افغانستانی آشنا می‌شوند که برای تعمیر عینک به آنها راهکاری

می‌دهد و ادامه ماجرا.

در نهایت به این نکته می‌رسند که همدلی از هم‌زمانی بهتر است.

بازیگران فیلم را چطور انتخاب کردید و کار با این کودکان ناباز یگر چطور بود؟

نقش‌های اصلی این فیلم را بچه‌ها برعهده داشتند که همه نابازیگر بودند. من برای این فیلم، بازیگر حرفه‌ای کودک نداشتم و بازیگران را در یک پروسه یک ماهه و با مراجعه به آموزشگاه‌های کودک از طریق تست انتخاب کردم.

یکی از مشکلاتی که طولانی شدن زمان اکران این فیلم به همراه داشت این بود که این بچه‌ها در زمان ساخت فیلم در سال ۹۵ حدوداً ۹ ساله بودند و امروز در زمان اکران آن یک نوجوان ۱۵ ساله هستند. من می‌خواستم تیزر فیلم را با بازیگر فیلم بخواند اما او دیگر کودک دیروز نیست.

فیلم عینک، در چه شرایطی ساخته شد؟

برای ساخت فیلم «عینک»، از مرحله ساخت تا پروانه نمایش مراحل بسیار دشوار و طاقت فرسایی را طی کرده‌ایم طوری که دلم می‌خواهد فیلمنامه‌ای با همین مضمون بنویسم تا فیلمسازان جوان با شرایط دشوار ساخت فیلم آشنایی بیشتری پیدا کنند و با مشکلات کمتری روبرو شوند.

فیلم «عینک»، در ابتدا یک فیلمنامه فیلم کوتاه بود و بعد تصمیم گرفتیم آن را تبدیل به فیلمنامه بلند سینمایی کنیم.

این فیلم به صورت فیلم مستقل و با هزینه شخصی ساخته شد و از هیچ ارگان و نهادی کمک مالی نگرفته‌ایم و در نهایت با عبور از همه مسائل و مشکلاتی که داشتیم بعد از ۶ سال در «هنرو تجربه» توفیق اکران یافت که از این بابت از مسئولان «هنرو تجربه» هم سپاسگزارم.

چقدر به فروش فیلم «عینک» در شرایط کنونی سینمای ایران امیدوار هستید؟

با وجود تمام هزینه‌های سنگینی که برای تولید این فیلم متحمل شده‌ایم. فیلم ما با بدشانسی‌های دوران دو ساله کرونا نیز مواجه شد و اکنون نیز با وجود شرایط کنونی جامعه و اوضاع سینما که خیلی‌ها دل و دماغ سینما رفتن ندارند، اصلاً مشخص نیست که اکران این فیلم چقدر می‌تواند برگشت سرمایه داشته باشد.

خود من هم با وجود همه علاقه‌ای که به فیلمسازی داشته و دارم امسال تنها سالی است که دوست ندارم فیلم بسازم و انگیزه‌ای هم برای اکران ندارم اما از یک سو به احترام تهیه‌کننده این فیلم و تعهدی که برای برگشت سرمایه دارم تصمیم به اکران گرفتیم و از سوی دیگر، فیلم «عینک» درباره کودکان و برای کودکان است و اکران آن را در شرایط کنونی جامعه می‌توان به فال نیک گرفت، چرا که معتقدم حتی اگر جنگ جهانی هم اتفاق بیفتد کودکان ما نیاز به خوراک فرهنگی دارند و حق دارند در دنیای کودکانه و عاری از سیاست خودشان، فیلم‌هایی را ببینند که حال‌شان را خوب می‌کند.

چرا در نخستین تجربه ساخت فیلم بلند سراغ کار کودک رفتید؟

گذشته از انیمیشن‌سازی که فروش خوب و مخاطبان زیادی دارد، معمولاً فیلمسازان رئال وارد حوزه کار کودک نمی‌شوند به این دلیل که هیچ حمایتی از سینمای کودک صورت نمی‌گیرد اما زمانی که من وارد حوزه کودک شدم اصلاً بحث مالی آن در نظر من نبود. همان سال ۹۷ نیز زمانی که این فیلم جایزه بخش فیلمنامه‌نویسی را از جشنواره کودکان و نوجوانان دریافت کرد، خواستام از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این بود که من نیازی به پول و بودجه برای ساخت فیلم ندارم اما حداقل برای پخش و نمایش آن از ما حمایت کنید و سالن در اختیارمان قرار دهید.

اما متأسفانه بخش دولتی هیچ حمایتی از فیلم کودک و فیلمسازان کودک نمی‌کند. به طور مثال من یک فیلمنامه بلند سینمایی برای کودکان داشتم که اردیبهشت ماه در فارابی به ثبت رسید و دنبال سرمایه‌گذار بودم که آن را بسازم. بعد که اسامی فیلم‌های مورد حمایت بنیاد سینمایی فارابی اعلام شد، چندین بار پیگیری این فیلمنامه شدم که بدانم برای ساخت مورد حمایت قرار گرفته یا خیر، اما در نهایت بعد از چندین جلسه و رفت‌وآمد و سرگردانی متوجه شدم که فیلمنامه من را اصلاً نخوانده‌اند!

اگر نگاهی به میزان فروش فیلم‌های مورد حمایت فارابی بیاندازید خواهید دید که با وجود حمایت‌های ۲۰ میلیارد تومانی از برخی فیلم‌ها، فروش خوبی هم نداشته‌اند.

در کشوری مثل امارات که سینما ندارد، برای فیلم «عینک» بهترین سالن سینما را اختصاص و تبلیغات بسیار خوبی را در بیلبردهای سطح شهر انجام داده‌اند. در زمان اکران نیز کودکان و نوجوانان مدارس را به دیدن این فیلم آوردند و مسئولان مدرسه در پایان نمایش فیلم درباره پیام آن با بچه‌ها گفتگو کردند. اما متأسفانه

در کشور خودم چنین حمایتی از من نشد.

با همه این مسائل و مشکلاتی که وجود داشت، من برای ساخت فیلم «عینک»، ماشین خودم را فروختم و هزینه ساخت این فیلم کردم و نمی‌دانم که در این شرایط برگشت سرمایه خواهد داشت یا خیر اما خیالم راحت است که کارم را انجام داده‌ام و حالا ذهنم آزاد است.

در پروسه ساخت و تولید با چه دشواری‌هایی روبرو بودید و فکر می‌کنید در این پروسه بزرگترین معضل پیش روی فیلمسازان جوان چیست؟

سینما برای من سخت نیست. شب و روز برای گرفتن سکانس می‌توانم کار کنم اما روزی که نگذارند فیلم بسازم می‌میرم و در حال حاضر هم به امید فیلمسازی سرا هستم. به نظر من بزرگترین معضل برای فیلمسازان جوان گرفتن پروانه ساخت است که من سال گذشته موفق به دریافت آن شدم و آن زمان احساس کردم که دوباره متولد شدم و معضل دیگر یافتن تهیه‌کننده است.

یعنی یک فیلمساز و کارگردان به جای آن که دغدغه فکر کردن روی فیلمنامه و دکوپاژ فیلم و... را داشته باشد، باید ذهنش درگیر یافتن تهیه‌کننده و بازاریابی و مسائلی از این قبیل باشد.

برای ساخت این فیلم و نوشتن فیلمنامه چقدر به دنیای کودکان امروز و فضای ذهنی آنها توجه داشته‌اید؟

قصه را از کودکی خودم الهام گرفته‌ام و سکانس‌هایی از آن همان ویژگی‌های دوران کودکی خودم است. بعد از ساخت فیلم هم بسیار تلاش کرده‌ایم که بچه‌ها فیلم را ببینند و بازخورشان را ببینیم.

باز خوردها چطور بود؟

خدا را شاکرم که باز خوردهای خوبی از مخاطبان مان گرفته‌ایم. در ششمین دوره جشنواره شهر که این فیلم در یک سالن ۲۵۰ نفره به نمایش درآمد، از بچه‌ها برای دیدن آن دعوت کرده بودیم و اولین بازخورد فیلم را آنجا دریافت کردم که همه این بچه‌ها تا پایان نمایش فیلم روی صندلی به تماشا نشسته بودند. در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان سال ۹۷ نیز بچه‌ها به عنوان مخاطبان اصلی این فیلم بازخوردهای خوبی به ما داده‌اند و احساس کردم چیزی را که در نظر داشته‌ام بچه‌ها درک کرده بودند.

در جشنواره‌های بین‌المللی باز خوردها را چطور دیدید و آیا کودکان خارجی هم توانسته بودند به خوبی با این فیلم ارتباط برقرار کنند؟

بله کاملاً. در جشنواره‌های بین‌المللی هم بچه‌ها به خوبی با این فیلم ارتباط برقرار می‌کردند. یکی از منتقدان این جشنواره‌ها در مقاله خود نوشته بود که دیدن این فیلم برای بچه‌های زیر ده سال ضروری است.

حالا فکر می‌کنم سرمایه‌ای که برای ساخت این فیلم هزینه کرده‌ام، به این بازخوردهای خوب می‌ارزد.

با توجه به این که مخاطبان شما کودکان هستند، چه تلاشی برای کشاندن و جذب این مخاطبان به سالن‌های سینما داشته‌اید؟

خوشبختانه تفاهم‌نامه‌ای میان معاونت سینمایی و وزارت آموزش و پرورش صورت گرفته است که هر ماه این معاونت یک فیلم مناسب کودک و نوجوان را به وزارتخانه معرفی کند. برای فیلم «عینک» نیز قرار است بر اساس همین تفاهم‌نامه، اکران ویژه دانش‌آموزی داشته باشیم و در مناطق محروم نیز از سینما سیار استفاده خواهیم کرد تا بچه‌های بیشتری امکان دیدن فیلم را پیدا کنند.

با توجه به همه مشکلاتی که پشت سر گذاشته‌اید چه دورنمایی برای سینمای کودک می‌توانید پیش بینی کنید؟

سیاست‌گذاری در دوره مدیریت قبلی این بود که از فیلم‌های بفروش حمایت کند و همان زمان متولیان فیلم کودک می‌گفتند که از فیلم‌های شبیه به «عینک»، حمایت نمی‌کنند و شاید اگر یک اثر طنز یا کمدی کودکانه بود در زمره بفروش‌ها به حساب می‌آمد! اما در حال حاضر فکر می‌کنم سینمای امروز بار فرهنگی ندارد و متولیان جدید سینمای کودک هم دنبال موضوع سینمای کودک نیستند. معتقدم تا زمانی که حمایتی از سینمای کودک نشود و بخش دولتی هم دنبال بازگشت سرمایه در بخش فیلم کودک باشد، هیچ دورنمای روشنی برای سینمای کودک وجود ندارد و کار فرهنگ‌سازی برای کودکان امروز هم تمام است.

در چنین شرایطی که در میان بودجه‌های حمایتی حتی یک صدم آن را به سینمای کودک اختصاص نمی‌دهند، دیگر هیچ فیلمسازی برای کودکان فیلم نمی‌سازد و شاید من هم دیگر نسازم.

اما یک سؤال مهم دارم. تاکنون، از چند فیلم سینمایی کودک حمایت شده است و از میان ۲۳ فیلمی که برای حمایت اعلام کرده‌اند، کدام یک از آنها برای کودک است؟